



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زبان و ادب فارسی در شهر بادها، باکو*

موقعیت جغرافیایی و تاریخچه:

(۳۹۰ کیلومتر)، از جنوب با جمهوری اسلامی ایران (۷۵۶ کیلومتر)، از شمال غربی با گرجستان (۴۸۰ کیلومتر) و از جنوب غربی با ارمنستان (۱۰۰۷ کیلومتر) و ترکیه از ناحیه جمهوری خودمختار نخجوان (۱۱ کیلومتر) مرز مشترک دارد. به دنبال تحولات داخلی در اوایل قرن بیستم در روسیه و جنگ جهانی اول و اعلام استقلال جمهوری‌های گرجستان و ارمنستان برای نخستین بار «جمهوری دموکراتیک آذربایجان» در سال ۱۹۱۸ در شهر گنجه اعلام موجودیت کرد. پس از ورود بلشویک‌ها و تصرف قفقاز از سوی ارتش سرخ در سال ۱۹۲۰ این

جمهوری آذربایجان که بخشی از منطقه قفقاز محسوب می‌شود، تا قبل از قراردادهای ننگین گلستان (۱۲ اکتبر ۱۸۱۳) و ترکمنچای (۱۰ فوریه ۱۸۲۸) جزئی از کشور پهناور ایران بود که بر اساس قرارداد گلستان، ولایت باکو، شکی، شیروان، قره باغ، و گنجه و به موجب عهد نامه ترکمنچای، نخجوان نیز از ایران جدا گردید. مساحت این کشور ۸۶ هزار و ۶۰۰ کیلومتر مربع است. این جمهوری از شمال با روسیه



پایتخت، شهرهای مهم، جمعیت، ترکیب قومی، خط و زبان:

پایتخت این کشور شهر باکو است با جمعیتی حدود ۱۹۷۶۰۰۰ نفر که ۱۷۸۹۰۰۰ نفر آنها ساکنان بومی و بقیه آوارگان جنگی هستند. جمعیت این کشور حدود ۸ میلیون و ۱۶ هزار و ۲۰۰ نفر تا پایان سال ۱۹۹۹ میلادی اعلام شده که ۵۲ درصد آن شهری و ۴۸ درصد روستایی است. ترکیب قومی این کشور بر اساس آمار رسمی عبارت است از: آذربایجانی (۷۵ درصد)، روس‌ها (۲/۱ درصد)، ارمنه (۴/۳ درصد)،

جمهوری منحل و «جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی» تشکیل شد. و در سال ۱۹۳۶ با تدوین قانون اساسی جدید شوروی این جمهوری به جمهوری متحد شوروی سوسیالیستی آذربایجان موسوم و به عنوان یکی از پانزده جمهوری تشکیل‌دهنده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شناخته شد. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، جمهوری آذربایجان به عنوان یک واحد سیاسی مستقل در عرصه بین‌المللی ظاهر شد و از سوی دیگر کشورها و از جمله جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شد.

لزگی‌ها (۴/۱ درصد)، آوار (۱/۱ درصد)، اوکراینی (۶/۷ درصد)، یهودی (۱/۳ درصد)، و سایر ملیت‌ها (۴ درصد). بر اساس قانون اساسی این کشور مصوب ۱۹۹۵ زبان رسمی «آذربایجانی» و خط رسمی «لاتین» است. از سال ۱۹۹۲ تا ۹۵ زبان رسمی این جمهوری «ترکی» بوده است. خط تا سال ۱۹۲۹ عربی و بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ لاتین و از سال ۱۹۳۹ به بعد «کریل» بوده و هم‌اکنون روند تبدیل خط کریل به لاتین در جریان است. لازم به توضیح است که در این کشور چون دیگر جمهوری‌های شوروی سابق زبان روسی کاربرد وسیعی دارد.

مذهب در جمهوری آذربایجان:

حدود ۹۴ درصد از جمعیت این کشور مسلمان هستند که قریب به ۷۱ درصد شیعه و ۲۳ درصد اهل تسنن هستند. ۶ درصد باقی‌مانده را پیروان سایر ادیان تشکیل می‌دهند. اداره روحانیت مسلمانان قفقاز به عنوان ناظر بر امور مذهبی مسلمانان در قفقاز در شهر باکو مستقر است. به رغم فشارهای هفتاد ساله نظام کمونیستی علیه اسلام، مردم این جمهوری همچنان علاقه خود را به اسلام حفظ نموده و از اولین روزهای پس از استقلال اقدام به بازسازی و نوسازی مساجد خود نموده‌اند، به طوری که در حال حاضر بیش از هزار و دویست مسجد فعال در این جمهوری وجود دارد. به توفیق الهی اولین روز ورود بنده به این کشور مصادف بود با تاسوعای حسینی. مراسم عزاداری یا شکوهی در شب تاسوعا و روز عاشورا در حسینیه جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. از استقبال و ازدحام مردم شگفت زده شدم. صحن حسینیه مملو از جمعیت بود و این تازه یکی از مساجد باکو بود. مساجد دیگر و اماکن مذهبی و خیابان‌ها تقریباً آکنده از مردمی بود که از صمیم قلبشان با سوز و گداز شهادت مظلومانه امام حسین علیه‌السلام و یارانش داغدار و مصیبت زده بود. برگزاری نماز جماعت، مصیبت و روضه خوانی و مذاحی و سینه زنی و اشک ریختن و ناله و فریاد بر آسمان بردن و از خود بی خود شدن. اغراق نمی‌کنم، قطرات درشت و پی در پی اشک حتی پهنه صورت نوجوانان دوازده سیزده ساله را خیس و مرطوب ساخته بود. دم گرم و صمیمی حاج آقای اجاق نژاد، رایزن محترم فرهنگی، که با تسلط به زبان ترکی مردم را موعظه می‌کردند و از اسلام می‌گفتند و مصیبت می‌خواندند، بی‌اندازه بر تمام اقشار مردم مؤثر بود. مردم این جمهوری با وجود بیش از یکصد و نود سال دوری از ایران و بیش از هفتاد سال حاکمیت مطلق کمونیست‌ها، هویت فرهنگی و دینی خود را در دل‌ها حفظ کرده‌اند.

گوش‌ها و چشم‌ها و قلب‌های ایشان تشنه شنیدن و دیدن و درک و احساس فرهنگ ناب اسلامی ایرانی است.

دانشگاه‌ها، آکادمی علوم و کتابخانه‌ها:

اولین و بزرگ‌ترین دانشگاه این کشور، دانشگاه دولتی باکو است که از سال ۱۹۱۹ آغاز به کار نموده و در حال حاضر در پانزده دانشکده آن بیش از سیزده هزار دانشجو مشغول به تحصیل هستند. علاوه بر آن، تعداد پانزده دانشگاه دولتی در باکو و شهرهای گنجه، لنکران و نخجوان و ده دانشگاه غیردولتی از جمله دانشگاه‌های غرب، آسیا، قفقاز و خزر در این جمهوری مشغول فعالیت هستند. فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان به عنوان مرکز بزرگ علمی تحقیقاتی از سال ۱۹۴۵ در

رشته‌های فیزیک، مکانیک، ریاضیات، شیمی، کشاورزی، زمین‌شناسی، و ایران‌شناسی مشغول فعالیت است. این مرکز در قالب بیست و سه انستیتو اقدام به جذب محقق و پژوهشگر می‌نماید. ضمن اینکه یک رصدخانه، سه موزه، سه مرکز تحقیقاتی در زمینه‌های اتمی، میکرو بیولوژی، و باستان‌شناسی و کتابخانه‌ای با ظرفیت ۱۲۷۷۰۷۴ جلد کتاب زیر نظر آن اداره می‌شود. در این کشور کتابخانه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از سال ۱۹۹۰ در ۹۴۵۰ کتابخانه این کشور تعداد چهل و دو میلیون کتاب نگهداری می‌شود و آمار سرانه کتاب برای هر نفر شش نسخه است. بزرگ‌ترین کتابخانه این جمهوری کتابخانه میرزا فتحعلی آخونداف است که در سال ۱۹۲۳ تأسیس و در حال حاضر دارای چهار میلیون نسخه کتاب است.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این کشور:

تحقیق و تدریس زبان و ادبیات فارسی، به صورت رسمی و آکادمیک، در این کشور در سه مرکز انجام می‌گیرد:

۱- آکادمی علوم ۲- دانشگاه دولتی باکو ۳- مدارس و دبیرستان‌ها

۱- آکادمی علوم: همانطور که قبلاً گفتیم بزرگ‌ترین مرکز علمی و تحقیقاتی کشور جمهوری آذربایجان است که در یک شعبه آن محققان و پژوهشگران به تحقیق و پژوهش درباره ایران و زبان و ادب فارسی مشغول هستند. زمینه و محور پژوهش اساتید و محققان ایران‌شناس شامل این سه موضوع است: الف: زبان و ادبیات فارسی ب: متن‌شناسی و مرجع‌شناسی ج: تاریخ و اقتصاد ایران.

آنطور که از قول محققان آکادمی شنیدم، وظیفه ایشان تحقیق و نگارش حدود یکصد و پنجاه صفحه مطلب، از لحاظ کتی و کیفی است، راجع به زمینه و محور پژوهشی که در آن اشتغال دارند که مورد ارزیابی گروهی از متخصصان آن موضوع تحقیقی قرار می‌گیرد. متأسفانه به دلیل کمی درآمد و حقوق ماهیانه و تا حدودی عدم استقبال انستیتو پس از انجام به‌بوته فراموشی سپرده می‌شود و گمانم بر آن است که به دلایل مذکور شاید پژوهش‌ها هم چندان کیفی نباشد. اما علاقه قلبی و صمیمانه ایشان به زبان و ادب فارسی ستودنی است. ایامی که بنده سعی می‌کردم، با توجه به ضیق وقت و مجال، از هر دری در ادبیات با ایشان سخن بگویم، گوش‌های نیوشا و دل‌های پاکشان متوجه رشته کلام بود.

این علاقه و شوق وقتی بیشتر بر من مشخص شد که هم از بنده و هم از رایزنی می‌خواستند که این دوره تا عید نوروز برقرار باشد. دیدگان اشکبار و قلب‌های محزون من و ایشان در جلسه آخر و روز وداع، شاهد دیگری بود بر این اشتیاق. طی برنامه‌ای که از روز اول ورودم برای سه مرکز آکادمی، دانشگاه دولتی باکو و انستیتو معلمان زبان فارسی ترتیب داده بودم، سعی شد در ایامی که آنجا هستم هم از زبان فارسی و مسائل مربوط به آن، به‌ویژه دستور زبان فارسی، سخن بگویم و هم از ادبیات و مباحث و موضوعات آن، از شعر کلاسیک و نو گرفته تا مسائل بلاغی و نقد ادبی و موسیقی شعر و... بدیهی است که به علت ارتباط بسیار کم ایشان با تحقیقات تازه ادبی و زبانی درباره زبان و ادبیات فارسی که در ایران انجام می‌گیرد و مسائل دیگری که ذکر آن گذشت، مباحث و

مطالبی که عرضه می‌شد تقریباً به تمامی برای ایشان تازه و جدید بود. جلسات و کلاس‌ها در آکادمی روزهای دوشنبه و چهارشنبه و جمعه برگزار می‌شد. این توضیح ضروری است که روز تعطیل رسمی در جمهوری آذربایجان - به رغم اینکه کشوری مسلمان نشین است و بیش از هفتاد درصد شیعه هستند - تحت تأثیر تسلط پیشین نظام کمونیستی، یکشنبه است. ضمن اینکه برخی ادارات و سازمان‌ها و از جمله دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقی، عموماً شنبه‌ها نیز تعطیل هستند. از استادان و محققان آکادمی خواستم که بعضی از تحقیقات خود را بنویسند. ایشان نیز پذیرفتند و عنوان بعضی از تحقیقات و پژوهش‌هایشان را نوشتند. جهت اطلاع خوانندگان محترم از موضوعات تحقیق این پژوهشگران، نیز قدرانی از این استادان که به هر حال عاشق زبان و ادب فارسی هستند و با وجود مشکلات بسیار، مشغول تحقیق و تفحص درباره آن، و اینکه ذکر خیر و نام و یادی از این بزرگواران شود، به بعضی از این موضوعات تحقیق با ذکر نام محقق و استاد اشاره

مولانا در ادب حروفیه، دومین همایش ملی ایران‌شناسی، ۴- تشبیهات و تفاوت‌ها در اندیشه‌های حروفیه و عرفانی سنتی (بر اساس شعر نسیمی) در مجموعه مقالات تجلی عرفان در سخن سخنوران آذربایجان. دکتر توفیق جهانگیروف (مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دولتی باکو): ۱- روزنامه **جبل المتین** و ادبیات روس، مجله **شرق‌شناسی** دانشگاه دولتی باکو، سال ۱۹۷۵، شماره ۲.۱- و ندهای مترادف زبان فارسی، مجله **شرق‌شناسی** دانشگاه دولتی باکو، سال ۱۹۷۶، شماره ۳.۱- تیمولوژی نام «خسرو پرویز» مجموعه آثار علمی دانشکده خاورشناسی، سال ۱۹۸۵.

۴- درباره ترجمه «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی به زبان آذربایجانی، کتاب **نظامی گنجوی**، سال ۱۹۹۲، ۵- حاج زین‌العابدین مراغه‌ای و روزنامه **جبل المتین**، مجموعه ادبیات خاور نزدیک، سال ۱۹۹۹، ۶- پیرامون تاریخ و پژوهش مترادفات زبان فارسی، ویژه نامه محمد مبارز علیزاده، باکو، ۷.۲۰۰۱- شاعر نوآور میرزا جعفر خامنه‌ای،



می‌شود:

خانم دکتر شفق علی‌بگلی: کتاب **کلمات متضاد در زبان فارسی**، پنجاه مقاله درباره زبان فارسی و زبان‌شناسی. در حال حاضر مشغول بررسی ویژگی‌های دیوان فارسی فضولی هستند. در بعضی از همایش‌ها در ایران حضور داشته، از جمله: دومین همایش ایران‌شناسی و مقالاتی عرضه کرده‌اند. خانم دکتر سعادت شیخی‌اوا، (حوزه تحقیقات): همانندی‌ها و تفاوت‌ها در شعر کلاسیک ترکی و فارسی. برخی مقالات و تحقیقات به فارسی: ۱- بررسی اصطلاحات «جان» و «جهان» در آثار حافظ و نسیمی. ۲- یک بیت ساوچی و سه غزل در جواب آن، نشریه سوی نور، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل، شماره دوم ۱۳۸۲، ۳- نگاهی به مقام

کنفرانس علمی هشتمین سالگرد تأسیس دانشگاه دولتی باکو، ۱۹۹۹.

و...

دکتر نوشابه علیزاده: ۱- آثار ادبی بزرگ علوی ۲- نثر بزرگ علوی ۳- حکایات صادق چوبک ۴- درباره داستان‌های ناصر خدایار ۵- نظری به خلافت به آذین ۶- زبان بشری سعدی ۷- علائق ادبی بین آذربایجان و ایران در قرن بیستم میلادی و...
دکتر سهراب طاهر: ده‌ها مقاله علمی و ادبی، صدها قطعه شعر، و ده‌ها داستان. موضوع در دست تحقیق:
«موتیوهای مبارزه علیه شاه در نثر ایران».

۲- **دانشگاه دولتی باکو**: گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دولتی باکو در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو

می‌پذیرد. مدت زمان دوره کارشناسی چهار سال است و هر سال حدود ۳۰ تا ۳۵ دانشجو در این رشته مشغول به تحصیل می‌شوند. بعضی عناوین و تعداد ساعات دروس از این قرار است **

فلکلور ایران ۱۰، مدخلی بر ادبیات فارسی ۲، ادبیات ایران در دوره استیلای اعراب ۲، ادبیات دوران سامانیان: رودکی سمرقندی ۶، دقیقی ۲، ادبیات دوران غزنویان: عنصری ۲، فرخی سیستانی ۲، فردوسی ۱۰، استیلای سلجوقیان و ادبیات ۶، نظام الملک ۲، تصوف ۴، بابا طاهر ۲، سنایی ۴، عطار ۴، مولوی ۶، ناصر خسرو ۴، مسعود سعد سلمان ۲، عمر خیام ۶، رشید الدین وطواط ۴، سعدی شیرازی ۸، شعرای فارسی‌زبان آذربایجان ۲، امیر خسرو دهلوی ۴، خواجوی کرمانی ۲، حافظ شیرازی ۲، ادبیات در اعصار شانزدهم تا هجدهم میلادی: دوران صفوی ۲، وحشی کرمانی ۲، سبک هندی ۲، صائب تبریزی ۴، دوران بازگشت ادبی ۶، هاتف اصفهانی ۲، قانی ۲، یغمای جندقی ۴، ادبیات ایران در دوران معارف پروری ۴، ادبیات ایران در قرن نوزدهم ۲، ملک المتکلمین حاجی میرزا نصرالله ۴، حاج زین العابدین مراغه‌ای ۴، طالبوف ۲، دوران مشروطه و ادبیات ۲، دهخدا ۲، ابوالقاسم لاهوتی ۲، میرزاده عشقی ۴، فرخی یزدی ۴، ملک الشعرای بهار ۴، پروین اعتصامی ۲، تطور نثر در مرحله جدید ۶، جمالزاده ۶، نخستین کنگره نویسندگان ایران ۲، صادق هدایت ۴، سعید نفیسی ۴، بزرگ علوی ۴، غلامحسین ساعدی ۲، جمال میرصادقی ۲، صادق چوبک ۴، جلال آل احمد ۶، شعر نو نیما یوشیج ۴، نادر نادرپور ۴، شاملو ۲، سیمین بهبهانی ۴، فروغ فرخزاد ۴، شهریار ۸، ادبیات انقلاب اسلامی ۱۰، علی موسوی گرمارودی، سیمیندخت وحیدی، سپیده کاشانی، نصرالله مردانی، طاهره صفارزاده، و... یقین دارم مطابق دیدگاه و نظر اساتید و صاحب نظران رشته زبان و ادبیات فارسی در ایران، در سر فصل‌ها و ساعات درسی این عناوین جای بحث و نظر است و مطمئناً نیاز به بازنگری علمی و دقیق دارد و شاید بتوان به همت رایزنی فرهنگی ایران در باکو و تلاش و باری وزارت علوم، با ایجاد ارتباط علمی مداوم و صمیمی و جلب توجه اساتید و دانشگاهیان این کشور، و حتی کشورهای دیگر، و دعوت ایشان به ایران و رفتن برنامه‌ریزان دقیق و زبده زبان و ادبیات فارسی و استادان به این کشور و نظایر آن، بتوان با توجه علمی و با شرایطی که گفته شد برنامه درسی مناسب‌تری تهیه و تدارک دید. این موضوع درباره برنامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری نیز مصداق دارد.

در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو می‌تواند یکی از دو گرایش زبان یا ادبیات فارسی را انتخاب نماید و پس از گذراندن دروس تئوری، پایان‌نامه‌ای نیز ترتیب دهد. سر فصل و بعضی از دروس دوره کارشناسی ارشد از این قرار است: تاریخ ادبیات فارسی ۱۷۶ [دوران معاصر]، نظریه ادبیات فارسی ۱۶، تاریخ ادبیات شناسی و روش آن ۳۶، مسائل ادبیات معاصر ایران ۳۲، مرجع شناسی ۳۲، متن شناسی ۳۲، درس ویژه ۳۲، بعضی از شاعران و نویسندگان معاصر فارسی که در قالب

تاریخ ادبیات معاصر فارسی بررسی می‌شوند: صادق هدایت ۴، شهریار ۴، نیما ۴، ابتهاج ۴، سهراب سپهری ۴، نصرت رحمانی ۴، جلال آل احمد ۴، فریدون تنکابنی ۴، محمود دولت آبادی ۴، موسوی گرمارودی ۶، احمد عزیزی ۶، و...

هر چند پرداختن به ادبیات معاصر ایران قابل تقدیر و توجه است، اما هم در عناوین و تعداد ساعات و هم صرفاً پرداختن به این مقوله با این حجم، جای بحث و نظر است. در دوره دکتری نیز دانشجو با نوشتن پایان‌نامه که باید مورد تأیید هیأت داوران و اساتید واقع شود، کار خود را به اتمام می‌رساند. طبق گفته دکتر توفیق جهانگیروف مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دولتی باکو، اخیراً اساتید زبان و ادب فارسی کار را در دوره دکتری سخت‌تر کرده‌اند، بدین ترتیب که تا دانشجو چندین مقاله علمی و تحقیقی ننویسد و در مجلات به چاپ نرساند نمی‌تواند از پایان‌نامه دکتری خود دفاع کند. برنامه درسی و دانش افزایی دانشگاه هر روز، جز روزهای تعطیل، تنظیم شده بود، از ساعت ۱۳/۳۰ تا ۱۵ که البته همیشه با توجه به علاقه و اشتیاق خودم و استادان و پرسش‌هایی که پیش می‌آمد، از ساعت پانزده هم می‌گذشت. علاقه و جدیت ایشان در فراگیری و نیوشیدن مطالب، احساس پارادوکسی خستگی توأم با لذت و نشاط در من به وجود می‌آورد. جز روزهای تعطیل، هر روز به آکادمی می‌رفتم از ساعت ۱۰/۳۰ تا ۱۲ در آکادمی، ۱۳/۳۰ تا ۱۵ در دانشگاه و از ۱۵/۳۰ تا ۱۷ در انستیتو معلمان، از زبان و ادب فارسی در بین مشتاقان و علاقه‌مندان به آن سخن گفتیم. سعی کردم در دانشگاه نیز از موضوعات متنوع سخن گویم: دستور زبان فارسی، عرفان و تصوف، بلاغت، موسیقی شعر، سعدی و مولانا و حافظ و...

ضبط سخنان و به ویژه اصرار ایشان بر اینکه آخر جلسه اشعاری بخوانم تا ضبط شود و ایشان شعر فارسی را از زبان یک فارسی‌زبان بشنوند، متأثر شدن و دیدگان اشکبارشان وقتی از عرفان و تصوف ناب ایرانی سخن می‌گفتم، حضور قابل توجه‌شان با وجود ساعت نه چندان مناسب و اینکه خود نیز بعضاً کلاس داشتند و... باعث می‌شد که از صحبت کردن و بودن نزد ایشان خسته نشوم. بعد از دانشگاه با معلمان زبان فارسی باکو و حومه کلاس داشتم. این معلمان که تعداد آنها حدود سی و پنج نفر بود، اغلب لیسانس‌های زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل از دانشگاه بودند که در مدارس به تدریس و آموزش زبان فارسی اشتغال داشتند. البته بعضی از آنها مدارک بالاتر هم داشتند. جمع معلمان نیز بسیار گرم و صمیمی بود؛ به گونه‌ای که رابطه بسیار دوستانه بین من و ایشان برقرار شد. اگر چه یک دو جلسه اول شاید تحت نظارت دقیق معاون انستیتو رأس ساعت ۱۵/۳۰ در کلاس حاضر می‌شدند، اما پس از جلسه اول، به اقرار خودشان، به میل و اشتیاق حتی قبل از ساعت همگی حاضر بودند. این شوق وقتی معنی پیدا می‌کند که بدانید ایشان در ماه حدود ۸۰ دلار حقوق می‌گیرند و پیش از ساعت کلاس، تقریباً همگی کلاس درس داشتند. همانطور که قبلاً ذکر شد در انستیتو



معلمان هر روز، جز روزهای تعطیل، از ساعت ۱۵/۳۰ تا ۱۷ کلاس داشتیم و چون ایشان در مدارس به تدریس زبان فارسی اشتغال داشتند، فقط به مباحثی در باره زبان فارسی، از قبیل: املا و انشا و خط و آیین نگارش و به ویژه دستور زبان فارسی می‌پرداختم. ایشان نیز به دقت گوش می‌سپردند و سؤال می‌کردند و یادداشت برداری. حتی جلسه آخر تقریباً مباحثی را که مطرح کرده بودم اگر چه گاه با املاهای غلط بعضی از کلمات! و نادرست شنیدن‌ها - به صورت جزوه‌ای که یکی از ایشان یادداشت و تنظیم کرده بود، به من دادند. در میان ایشان از جوان بیست و اند ساله بود تا پیرهفتاد ساله. اغراق نمی‌کنم، افراد مسنی که با دستان پیر و نحیف، قلم به دست یادداشت برداری می‌کردند. گاه ضمن بحث و سخن ناخود آگاه چشمانم بر این دستان چروکیده که لرزان می‌نوشتند و سرهای سپید که چون کودکان علاقه مند بر دفتر و اوراق خم بود و چشم‌ها که حرکت قلم در دستان را تعقیب می‌نمود، متوقف می‌ماند و بی اختیار آفرینشان می‌گفتم. بد نیست بدانید در میان همین معلمان، صاحبان قلم و ذوق و اندیشه و شعر هم بودند. برای یاد کردی از ایشان، نمونه را، از آقای شکار اسماعیل اوغلو مستعلی اف نام می‌برم که مجموعه اشعار چاپ شده خود را با عنوان **یا شاماق بو ایمیش** تقدیم کرد و با خط خوش خود بر صفحه اول آن نوشت: تقدیم به... به عنوان یادبود از روزهایی که با گفتار شیرین خود ما معلمین زبان فارسی مدارس باکو را مجذوب ساخت! یا سپاس شکار مستعلی ۲ مارس ۲۰۰۵.

جلسه آخر و روز وداع با ایشان نیز چون آکادمی و دانشگاه، فضا

اندوهبار بود. عکس‌هایی به یادگار گرفتیم و قطرات اشک و خناحافظی، درایت مسئولان رایزنی نیز در جلسه آخر قابل توجه بود. به هر کدام از معلمان حدود ده دلار به عنوان تأمین هزینه رفت و آمد تقدیم شد همراه با گواهینامه شرکت در کلاس‌ها. از نقاط تاریخی، فرهنگی و دیدنی شهر باکو، وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آب و هوا، وقایع روزمره و مسائل دیگر، به عنوان خاطرات، قریب به شصت صفحه یادداشت برداشته و نوشته‌ام که اگر عمری بود و حوصله‌ای، تحت عنوان سفرنامه‌ای کوتاه خواهیم نوشت. در پایان از مسئولان محترم سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مدیران و کارکنان گرامی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در باکو که امکان این سفر آموزشی را مهیا ساخته و مجتانه و دلسوزانه به ترویج زبان و ادب ارزشمند فارسی در فراسوی مرزهای ایران مشغول‌اند و دل نگران این میراث گرانبها، سپاس فراوان دارم.

پانوشته‌ها:

- * این سفر به همت مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و پیشنهاد و استقبال رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در باکو انجام پذیرفت.
- ** عناوین این دروس و تعداد ساعات آن به نقل از کتابچه برنامه درسی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دولتی باکو است. اعتدای که پس از عنوان دروس می‌آید، بیانگر تعداد ساعت تدریس آن درس است.